

حضرت امام علی علیه السلام

از کعبه تا محراب

«جلد اول»

تالیف: علامه سید خضر موسوی

ترجمه: عبدالمحمد ایرانی طرفه

www.ketab.ir

سرشناسه:	موسوی، خضر.
عنوان قرار دادی:	امام علی علیه السلام من الکعبه الی المحراب
عنوان:	حضرت امام علی علیه السلام از کعبه تا محراب «جلد اول»
تکرار نام پدیدآور:	تألیف سید خضر موسوی؛ مترجم عبدالحمید ایرانی طرفی
مشخصات نشر:	قم: آوای زندگی، ۱۴۳۷ هـ = ۲۰۱۶ م = ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری:	۵۰۴ صفحه
بها:	۲۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت کتابنامه:	کتابنامه: ص. ۴۹۳ - ۴۹۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع:	علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق
موضوع:	علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - احادیث
موضوع:	علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - فضائل
شناسه انود:	ایران، طرفی، عبدالحمید، - مترجم
رده بندی کنکری:	۳۰۵ / ۳۵ / ۹۰۴۱ الف ۹ م / ۳۷
رده بندی دیویی:	۵۱ / ۹۷
شماره کتاب شناسی ملی:	۳۹۰۴۱۴۳

حضرت امام علی (علیه السلام)

از کعبه تا محراب

تألیف: علامه سید خضر موسوی

ترجمه: عبدالحمید ایرانی طرفی

صفحه آرای: کامپیوتری المجتبی ع

چاپ: اول ۱۳۹۵ هـ . ش

تیراژ: ۲۰۰۰ عدد

ردمک: ۶ - ۹ - ۹۴۱۴۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

منشورات: آوای زندگی



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

سراغاز هر کلامی و زینت و زیور آن ، حمد و ستایش خداوند بی همتا و درود و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام است. ما خدایی را سپاس می-گوییم که همه صفاتش مطلق است، قدرتش ، قدرت مطلق است و می فرماید: **إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ كُنْ فَيَكُونُ** (یس/۸۲) یعنی؛ «امر و فرمانش طوری است که هر چیزی را اراده نماید به آن می گوید موجود باش بلافاصله موجود خواهد شد». علمش نیز مطلق است و به همه امور از ازل تا ابد احاطه دارد. می فرماید: **وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُ إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتٍ إِلَّا هُوَ رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ** (انعام/۵۹) یعنی؛ کلیدهای خزائن غیب در نزد اوست، کسی جز او بر آن آگاه نیست و نیز بر هر آنچه که در خشکی و دریاست علم دارد و هیچ برگی از درخت نمی افتد مگر آنکه او بدان آگاه است و نه هیچ دانه ای در زیر تاریکی زمین و نه هیچ تر و خشکی نیست جز اینکه در کتابی مبین ثبت شده باشد. بنابراین از آنجایی که خداوند تواناست و دارای علم مطلق بوده و از آینده نیز خبر دارد ممکن است که با آفریدن و به دنیا آوردن حضرت علی علیه السلام ، پیشاپیش دعای پیامبر محبوبش صلی الله علیه و آله را اجابت نموده است ، زیرا

می دانست که در آینده شاید پیامبرش در زیر فشار مشکلات و بلایا، بدنبال یار و یابری باشد و بخواهد مانند حضرت موسی علیه السلام دعا کند و بگوید: **وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي** (طه/۲۹ - ۳۰) یعنی؛ «خداوندا برای من وزیری از اهل بیت من قرار بده * برادرم هارون را». و شاید پیامبر صلی الله علیه و آله در آن لحظه، غمگین و حزین سر به پایین بیندازد و با خود بگوید: اما من که برادری ندارم؟! اما خداوند چندین سال قبل از بعثت، دعای ایشان را اجابت فرمود و به ایشان برادری از صلب عمویش ابوطالب عطا فرمود. و در اینجا است که عظمی فرمایش شگفت آور پیامبر صلی الله علیه و آله فهمیده می شود که بعدها به حضرت علیه السلام فرمود: **انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي** ^(۱) یعنی؛ تو نزد من، بمنزله هارون به موسی علیه السلام هستی جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود و در زمان عقد اخوت بین مسلمانان، پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان را به برادری برگزید. برادری که فراتر از معنای برادری، حق برادری خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله ادا فرمود. برادری که قبل از آن نظیرش رخ نداده بود، اما شاید تکرارش در کربلا مشاهده شد، آنجا که حضرت حسین علیه السلام در نقش رسالت و حضرت عباس علیه السلام در نقش ولایت ظاهر شدند و برادری رسالت و ولایت را یکبار دیگر به تصویر کشیدند. همانند آن روزهایی که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد و دیگر جنگها تنها می ماند، حضرت علی علیه السلام پروانه وار به دور شمع وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می چرخید و هر پایی را که برای کشتن ایشان به پیش می آمد قطع می کرد و هر دستی

را که بسوی پیامبر ﷺ دراز می‌شد، می‌برید و آن سرهایی که اندیشه شوم، کشتن رسول خدا ﷺ را در خود می‌پروراند از تن جدا می‌کرد. و در این راه گاهی دویست زخم کاری را به جان می‌خرید تا استاد و مریدش، حضرت محمد ﷺ کشته نشود. زیرا علی علیه السلام از جاه و منزلتی که پیامبر اکرم ﷺ نزد خداوند داشت بخوبی با خبر بود، بنابراین می‌ترسید و احساس خطر می‌کرد که با کشته شدن آخرین فرستاده خدا و عزیزترین خلقتش به دست ابلیس و انسانهای شیطان صفت، خداوند جبار به خشم آید و قیامت زود هنگام فرا برسد و زمین و زمان زیر و رو گردد. لذا می‌توان گفت که در آن روزها حضرت علی علیه السلام با شمشیر خود ناجی مردم کره خاکی از خشم و عذاب خداوند بود.

شناخت حضرت علی علیه السلام با دگرگی امکان پذیر نیست، سراسر زندگی ایشان از تولد در کعبه تا شهادت در محراب، به یک افسانه شباهت دارد. و فقط پیامبر ﷺ بود که ایشان را بخوبی شناخته بود، آنجا که به ایشان فرمود: «لو لا ان تقول فيك طوائف من امتي ما قالت العرب في عيسى بن مريم، لقلت فيك اليوم قولاً لا لاتمر على بملأ الا اخذوا من تراب و طينك و فضل طهورك يستشفون به» یعنی؛ اگر از این نمی‌ترسیدم که گروهی از امت من، در باره تو همان گویند که مسیحیان درباره حضرت مسیح گفته اند، امروز در حق تو سخنی می‌گفتم که هیچ گاه از کنار گروهی عبور نکنی، مگر اینکه آنان خاک زیر پایت را برای تبرک بر می‌گرفتند و باقیمانده آب وضو و طهارت تو را برای گرفتن شفا برمی‌داشتند. از طرف دیگر حضرت علی علیه السلام هم عظمت و منزلت رسول خدا ﷺ را بخوبی شناخته بود و در باره ایشان فرمود: من غلامی از غلامان حضرت محمد ﷺ هستم. البته اطاعت و

۸ حضرت امام علی علیه السلام از کعبه تا محراب ج ۱

فرمانبرداری حضرت فقط در غالب سخن نبود بلکه ایشان در عمل، این بندگی و غلامی را ثابت نمود و دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مو به مو اجرا می کرد حتی در فتح خیبر نیز کاملاً مطیع رسول خدا صلی الله علیه و آله بود تا آن حد که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان امر فرمود: «امش وَلَا تَلْتَفِتْ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيْكَ» یعنی؛ «برو و هیچ روی بر مگردان تا خداوند فتح و پیروزی را بر دست تو قرار دهد». حضرت علی علیه السلام مقداری به پیش رفت. اما وقتی که سوالی برایش پیش آمد، ایستاد و بدون اینکه روی خود را برگرداند از همان فاصله فریاد زد: «يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيَّ كَدُّ أَقَاتِلُ النَّاسَ» یعنی؛ بر اساس چه چیزی با این مردمان جنگ کنم؟!

و این ادراک و شناخت متقابل بین پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام بسیار مرموز و شگفت انگیز بود و تنها این فرمایش گوهربار پیامبر صلی الله علیه و آله است که آن را بخوبی نمایان می سازد، آنجا که فرمود: «يَا عَلِيَّ مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَأَنْتَ، وَمَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ، وَمَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا» یعنی؛ ای علی! جز من و تو کسی خدا را نشناخت، و جز خداوند و تو کسی مرا نشناخت و جز خداوند و من کسی تو را نشناخت.

ابن ابی الحدید که مسلمانی از اهل سنت است همیشه در آغاز توصیف حضرت علی علیه السلام، عبارت زیبا و تفکر انگیزی را بکار می برد که حیرتش را در مقام توصیف حضرت علی علیه السلام نمایان می سازد. او غالباً توصیف خود را با این عبارت آغاز می کند: «مَا أَقُولُ فِي رَجُلٍ ... (من چه بگویم در باره مردی که ...). او در یکی از توصیفاتش، عظمت شخصیت حضرت علی علیه السلام را اینگونه ترسیم می کند: «مَا أَقُولُ فِي رَجُلٍ أَقْرَبَ لَهُ أَعْدَاؤُهُ وَخُصُومُهُ بِالْفَضْلِ وَلَمْ يُمْكِنْهُمْ جِدْدُ مَنَاقِبِهِ وَلَا كِتْمَانُ فَضَائِلِهِ» یعنی؛ من چه بگویم در باره مردی که

دشمنانش و بدخواهانش به فضیلت وی اقرار نمودند و نتوانستند مناقب ایشان را منکر شوند و فضایل ایشان را کتمان کنند. و این سخن گزاف و بیهوده ای نیست زیرا حتی معاویه که دشمن سرسخت آن حضرت بود، چندین بار به افراد متملق و زبان باز که برای بدست نان و مقامی در نزد او، از حضرت علی علیه السلام بدگویی می کردند و صفات بد را به ایشان نسبت می دادند، پرخاشگرانه اعتراض کرد و به فضیلت و کرامات و بخشنده‌گی حضرت اقرار نمود. و یکبار هم که با اصرار از صحابی و یار باوفای آن حضرت خواسته بود که علی علیه السلام را برایش توصیف کند، از عظمت اوصاف ایشان، چشمانش غرق در اشک شد و زبان به اعتراف گشود و در تایید اوصاف و فضایل حضرت علی علیه السلام خاضعانه گفت: **رحم الله أبا الحسن كان والله كذلك**، یعنی؛ خداوند ابوالحسن را بیامزد که بخدا سوگند اینگونه بود (که تو گفتی). حتی عمر ابن الخطاب در توصیف علم و درایت درویش شهر علم نبوی، که همیشه بدان محتاج می شد و همیشه بوسیله آن از مخمصه نجات می یافت، چندین بار گفته بود: **«لولا علي لهلك عمر»** یعنی اگر علی علیه السلام نرد، یقیناً عمر به هلاکت می رسید.

در جای دیگری، ابن ابی الحدید در توصیف کنه و علم و شناخت حضرت علی علیه السلام حیران و مبهوت چنین می گوید: **ما أقول في رجل تحبه أهل الذمة على تكذيبهم بالنبوة وتعظمه الفلاسفة على معاندتهم لأهل الملة، وتصور ملوك الأفرنج والروم صوره في بيعها وبيوت عباداتها حاملا سيفه مشمر الحرب، وتصور ملوك الترك والديلم صورته على أسياقهم، ... يتفائلون بذلك بالنصر والظفر، وما أقول في رجل أحب كل أحد أن يتشبه به ويتجمل ويتحسن بالانتساب إليه،** یعنی؛ من چه بگویم در باره مردی که اهل ذمه با وجود

تکذیب نبوت اسلام، او را دوست می دارند و فلاسفه با وجود معاندت و دشمنی که با اهل ملت اسلام داشتند او را تعظیم و بزرگ می دارند، و پادشاهان فرنگ و روم تصویرش را در کلیساها و عبادتگاه های خود نقش می کردند که شمشیر به دست ، برای آزادی تلاش می کند، و پادشاهان ترک و دیلم تصویرش را بر روی شمشیرهای خود نقش می زدند، تا با آن برای پیروزی و غلبه ، فال نیک بزنند. و من چه بگویم در باره مردی که هرکسی دوست دارد که شبیه او باشد و خود را زیبا و نیکو می بیند و اگر که خود را به ایشان منتسب کند.

مؤلف محترم این کتاب همگام با ابن ابی الحدید و سایر دانشمندان بزرگ در نظر دارد تا گونه ای از عظمت حضرت علی علیه السلام را در جلوی چشم خواننده به تصویر بکشد و اسافاً که ایشان با داشتن کهولت سن، بخوبی توانستند با ذکر آیات ، احادیث و بررسی روایات تاریخی، گوشه هایی از عظمت این مرد عظیم را ترسیم نماید و اندک پیمانه ای از این دریای بزرگ را به کام تشنگان و شیفتگان شناخت حضرت علی علیه السلام بچشانند. زیرا شناخت تمام زوایای شخصیتی ایشان در یک کتاب نمی گنجد مگر آنکه در این رابطه، کتاب های بی شماری تالیف شود. البته باید بدور از هر نوع تعصبی اذعان نمود که حضرت علی علیه السلام بزرگ مردی است که باید او را دوباره شناخت و زوایای شخصیتی ایشان را از نگاه آیات قرآنی بررسی نمود تا معلوم شود که خداوند کریم به این بنده بزرگوار خود چگونه لطف و توجهی دارد و در کتاب حکیم خود چگونه وی را تایید فرموده است. و نیز باید عظمت شخصیت ایشان را از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و احادیث نبوی بررسی نمود تا معلوم گردد که چرا ایشان حضرت علی علیه السلام را تا این حد دوست می داشت و در حدیث

اشباه ایشان را به گروه بزرگی از انبیاء توصیف نمود و فرمود: خداوند نمود
 خصلت از خصلت های انبیاء را در ایشان جمع فرموده و در هیچکس دیگری
 جمع نکرده است. و نیز باید او را از نگاه دشمنان و بدخواهان شناخت، زیرا
 گفته اند اگر بخواهی کسی را بشناسی ببین که دشمنش در باره او چه می
 گوید، چرا که هر دشمنی، دشمن خود را بهتر از هرکس دیگری می شناسد.
 و دیدیم که سرسخت ترین دشمنانش در باره ایشان چه می گفتند! و نیز باید
 دید که در طول تاریخ، نظر مردان بزرگ تاریخ و علمای مسلمان و غیر
 مسلمان در باره آن حضرت چه بود؟! و البته که تاریخ لبریز از سخنان بزرگانی
 است که بدون هیچ معیعی در مقابل شخصیت بزرگ حضرت علی علیه السلام
 حیرت زده و انگشت به دهان مانده اند. افسوس که عمر کوتاه است و شناخت
 محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام گستر ای فراتر از یک عمر می خواهد. بارالها! به
 مردم علی شناس، کنه و عظمت علی علیه السلام را بشناس، تا بر پهنه این گیتی، هیچ
 علی شناسی باقی نماند که در عمر کوتاه خود بدون شناخت زیباترین گل
 معجزه هستی محروم و ناکام از دنیا برود. در پایان آمده این ترجمه را در این
 ماه مبارک رمضان و لیالی پر فیض قدر که مصادف با شبی ضربت خوردن و
 شهادت حضرت علی علیه السلام است به سر شکافته آن حضرت نهالیم می دارم
 امیدوارم که مورد پذیرش خدای سبحان و ساحت مقدس مولای موحدان قرار
 بگیرد. و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی نبینا وآله
 الطیبین الطاهرین.

عبدالمحمد ایرانی طرفی

۱۳۹۴/۴/۱۵

مصادف با نوزدهم رمضان ۱۴۳۶

مقدمه حضرت آیت الله العظمی

سید محمد صادق حسینی الروحانی دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است. و برترین صلوات و درود خدا بر اشرف انبیاء و پیامبران و آنکس که همه فضایل و مناقب و مفاخر به او متهی می شود، سید و آقای ما، حضرت محمد مصطفی و خاندان پاک و مطهرش، باد. و لعنت دائم و عذاب دردناک و عاودان بر تمام دشمنان آنان باد. بعد از اینکه حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب سید خضر موسوی (دامت تاییداته)، کتاب مبارک خود بنام « امام علی علیه السلام »، از کعبه تا محراب را به من تقدیم فرمود، به شکر خداوند سبحان، این کتاب را جامع بین قدیم و نو یافتم که دارای تعبیری روان بوده و به آسانی قابل هضم و فهم است و مطالب این کتاب، از مطالعه و پیگیری دقیقی پرده بر می دارد که سید بزرگوار در این کتب مبذول داشته اند. و برآستی که خدای تعالی به ایشان توفیق داد تا مطالب مربوط به احوال و فضایل حضرت امیر مؤمنان (که هزاران درود و ثنا و تحیت و سلام بر او باد) موجود در کتب معتبر و قابل اعتماد دو فرقه (شیعه و سنی)، جمع آوری نماید. و من ملتزمانه از خدای

۱۴ حضرت امام علی (علیه السلام) از کعبه تا محراب ج ۱

سبحان و بزرگوار و توانا می طلبم که این عمل را از ایشان بپذیرد و طول عمر به ایشان بدهد، و نیز از خدای سبحان ملتمسانه می طلبم تا برادران مؤمن ما بتوانند از این کتاب سود ببرند. همانا که خداوند شنونده دعاست و سریع اجابت می فرماید. و الحمد لله رب العالمین.

روحانی

۲۱ جمادی الاول سال ۱۴۳۱

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مؤلف

سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است، و صلوات و سلام بر اشرف انبیاء و مرسلین حضرت محمد مصطفی و خاندان مطهر ایشان باد.

اما بعد بر هر مسلمان مؤمنی واجب است که به دین خود ملتزم باشد و زندگی را به دین مرتبط و وابسته سازد، همانطوری که انسان بدون حیات نمی تواند باقی بماند، نباید هم بدون اسلام زندگی کند. این غریزه در نفس انسان جز با هوشیاری اسلامی تمرکز نمی یابد. این امر حاصل نمی شود مگر اینکه با شناخت معانی اسلام و مفاهیم ناب آن از طریق مکتب اهل بیت علیهم السلام باشد. هرچند که شناخت آن برای بیشتر مردم سخت می نماید، چونکه در تاریخ تفکر اسلامی، بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بین دو مذهب متعارض انقسام و جدایی پیش آمد. یعنی اختلاف بین مدرسه سلطه حاکم بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا آخرین خلیفه عثمانی و مدرسه اهل بیت علیهم السلام است. حکام در زمان سلطه و فرمانروایی خود، ناسزا گفتن به حضرت علی علیه السلام را واجب ساختند و این اختلاف تا عصر حاضر ما باقی ماند. و مدرسه اهل بیت از طرف سلطه حاکم تا زمانی خلفای عباسی و طاغوت های نظیر آن همیشه تحت

تعقیب بود.

و بدان که امامت به حضرت علی (علیه السلام) و یازده فرزندش (علیهم السلام) منحصر می شود آنها همان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند که خداوند در حق آنها این آیه را نازل فرمود: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** (احزاب/۳۳) یعنی؛ براستی که خدا می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور نماید و شما را پاک و مطهر سازد. و آنها همان کسانی هستند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر امر رهبری و هدایت، آنها را مقارن قرآن قرار داد و فرمود: **إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي** و انهما لن يفترقا **حَتَّى يردا علي الحوض**، **فانظروا كيف تخلون بيها** یعنی؛ «من در میان شما دو چیز وزین و گرانبها را به ارث می گذارم: کتاب خدا و عترتم (خاندانم) را. و در حقیقت این دو از هم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض بر من وارد می شوند، پس بنگرید که چگونه وارثان و جایگزین هایی برای آن دو خواهید بود»، بنابراین رهبری جز با آندو (قرآن و عترت) آشکار نمی گردد. در کتاب خدا نیز جز با امام فهمیده نمی شود و امام هم جز با بیان کتاب و نظم و عقائد آن، استحقاق امامت را ندارد. لذا این دو مرتبط هستند مثل ارتباط سیر و مبتدا (در علم صرف و نحو). بنابراین مورد اول جز با دوم فهمیده نمی شود. پیامبری این دو همیشگی و دائمی است، و دلیلش نص حدیث مذکور است که فرمود: **«حَتَّى يردا علي الحوض»**. چونکه رهبری ظاهری هیچ تاثیری بر راهبری و امامت معنوی ندارد. زیرا آنان صاحب توانایی ها و تصرفات در نظام طبیعی و عادی می باشند. و آنها همان کسانی هستند که کلید باز و بستن آیات و احادیث را در دست خود دارند و علمی را در دست دارند که اسلام بدان محتاج است نظیر عقیده و نظام. لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله) با بیان حدیث ثقلین اسلام را (توسط

عترت) از دشمنانش حفظ فرمود. زیرا آنان همیشه در برابر هجوم دشمنان می ایستادند و مکر آنها را به خودشان باز می گرداندند و از حدود و مفاهیم اسلام دفاع می کردند. همانگونه که هرگاه اسلام به معجزه و کرامتی محتاج می شد که نظام طبیعی را دگرگون سازد آنان بدین کار اقدام نموده و در قوای طبیعی دخل و تصرف می کردند. چونکه راهبری آسمانی حقیقی، در معنی صحیح آن، تا روز قیامت همچنان در دست آنهاست و امکان ندارد که کسی آن را از دست آنها بگیرد. زیرا که این امر (راهبری معنوی) غیر قابل سلب شدن و ناگرفتنی است. اما آن نوع راهبری و فرمانروایی ظاهری و خلافت صوری که افراد طماع و هواپست در پیرامون آن می گردند، برای آن بزرگان بی اهمیت است، و بود و نبودش بر مملکت و مقامات معنوی آنها هیچگونه تاثیری ندارد. چونکه ریاست دنیوی زایل شونی، که اهل شهوات و مطامع برای کسب آن مبارزه می کنند، هیچ خیر و برکتی ندارد.

اما وقتی که امامت حضرت علی علیه السلام بر اساس دلایلی که در این کتاب ذکر خواهیم کرد، ثابت گردید و امر امامت از این میدان مسلمان (صحابه) تنها به ایشان منحصر شد، از آن پس مقام ایشان در امر رهبری بمنزله مقام پیامبر صلی الله علیه و آله گردید. لذا بدلیل اینکه رهبری امت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله جز با تعیین خاص از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله برای کسی از مسلمانان تثبیت نمی گردد، امامت و رهبری نیز به حضرت علی علیه السلام و یازده امام از اهل بیت ایشان علیهم السلام منحصر می گردد. بطور عقلی و نقلی بسیار واضح و روشن است، که امامت همان خلافت و ولایت بوده و همانند نبوت و رسالت، یک منصب الهی است و خدای تعالی آن را در اختیار هیچ کس نمی گذارد بجز آن دسته از بندگان شایسته ای که خداوند آنها را بر می گزیند، تا به آن وظیفه خطیر که همان

رهبری جهان بعد از پیامبر ﷺ است، اقدام کنند. بر همین اساس خداوند به پیامبر ﷺ دستور داد تا حضرت علی (علیه السلام) را بر همه مردم امام قرار دهد، همانگونه که حضرت محمد ﷺ، برای همه مردم پیامبر بود. امامت چون نبوت، از اهمیتی بزرگ و خطورتی عظیم برخوردار است، از آن جهت که رهبری همه جهان بوده و بر فضیلت های متعدد و کمالات نفسانی و خصوصیت های نادر بنا می گردد. لذا امامت در نزد شیعه امامیه، اصلی از اصول دین بود و با سایر اصول اعتقادی توحید و عدل و نبوت و معاد یکسان و برابر است.

براستی که امامت مرتبه تر و عظیم الشان تر از آن است که بر اساس اختیار بشر و پیشنهادی انسانی برگزیده شود. و به عقل انسانی فرصت داده نشد که در موضوع انتخاب انبیاء و اوصیاء حق انتخاب داشته باشد. قوم بنی اسرائیل موسی (علیه السلام) را به نبوت برگزیدند و ایشان هم حضرت هارون (علیه السلام) را بدون اذن و علم سابق خداوند و الهام او برگزیدند. و نه حضرت عیسی (علیه السلام) حواریون را انتخاب کرد و نه حضرت محمد ﷺ اوصیای خود را همانند وارثان تخت حکومت، به جانشینی خود منصوب فرمودند. همه این امور را خدای تعالی انجام داد و در طول تاریخ آنها را حاملان میراث نبوت قرار داد. پس هرکس با آن مخالفت نماید در حقیقت با خدای تعالی مخالفت کرده است نه مخالفت با کسانی که حق را نقل کرده و به مردم ابلاغ نموده اند.

سخن در باب امام علی (علیه السلام) و حیات ایشان و تحقیق در این مورد و نیز بیان فرزاندگی و خارق العاده بودن امام علی (علیه السلام)، وسیع تر از آن است که مبحثی بر آن احاطه پیدا کند و کسی از مردم بتواند در این موضوع جولان دهد، بلکه او تنها می تواند مقدار کمی از مناقب و فضایل و سیرت ایشان (علیه السلام)

را در نفس خود و امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و تربیتی و موارد دیگری که امت اسلامی بدان محتاج بوده، تجزیه و تحلیل نماید.

این کتاب که در دسترس شماست در رابطه با امام علیه السلام بحث مفصلی ارائه داده آن هم نه از طریق منابع ما شیعه، بلکه از طریق اهل سنت و آنچه که در نزد آنها به ثبت رسیده و از علمای آنها باقی مانده است.

در پایان از خدای تعالی کمک و موفقیت را می طلبیم، براستی که او بهترین معیار و بهترین یاور است.

الفانی خضر السید لطیف الموسوی

فهرست کتاب

۲۱	فصل اول: ریخ ولادت ، شکل و شمائل ایشان علیه السلام
۲۴	و اما نسب شریف ایشان علیه السلام
۳۵	کنیه حضرت علی علیه السلام
۳۹	دربان ایشان
۳۹	شاعر ایشان
۳۹	نقش خاتم (انگشتر) ایشان خیلی دراز است
۴۰	همسران ایشان علیه السلام
۴۱	فرزندان ایشان علیه السلام
۴۳	صفت حضرت علی علیه السلام در اخلاق و رفتار و سوابق
۵۹	فصل دوم: مقدار عمر و زمان اسلام آوردن ایشان علیه السلام
۶۲	ملازمت و همراهی ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله
۶۳	در محاصره شعب ابی طالب
۶۳	حکایتی که با ابوذر هنگام اسلام آوردن ابوذر داشت
	بالا رفتن ایشان علیه السلام بر روی شانه های پیامبر صلی الله علیه و آله و پایین انداختن بتها
۶۶	از کعبه

۵۰۲	 حضرت امام علی علیه السلام از کعبه تا محراب ج ۱
۶۷	 و اما وصیتی که پدرش هنگام رحلت نمودن به ایشان نمود.....
۶۸	 آنچه که بعد از وفات ابوطالب برای او اتفاق افتاد.....
۶۹	 تعداد مناقب و فضائل ایشان علیه السلام
	فصل سوم: ذکر گزیده ای از اخبار آمده در شأن امیر المؤمنین علیه السلام
۷۹	
۸۶	 اخبار رسیده در رابطه با برتری حضرت علی علیه السلام و فضایل ایشان....
۹۸	 فصل چهارم: در واجب بودن عصمت.....
	فصل پنجم: در بازماند مناقب ایشان (صلوات خدا بر او باد) که بسیار هستند
۱۳۰	
	فصل ششم: حضرت علی علیه السلام و موضع گیریهایی که با پیامبر صلی الله علیه و آله در
۱۴۶	
۱۴۶	 حضرت علی علیه السلام در معركة بدر کبری؛.....
۱۶۵	 فصل هفتم: در معركة أحد.....
۱۶۸	 و اما در معركة أحد.....
۱۸۷	 فصل هشتم: در غزوه الاحزاب.....
۲۰۳	 فصل نهم: در حدیبیه.....
۲۰۳	 و اما حضرت علی علیه السلام در حدیبیه.....
۲۲۸	 فصل دهم: نقش حضرت علی علیه السلام در فتح مکه.....
۲۳۴	 و اما جایگاه و موضع حضرت علی علیه السلام در حنین.....
۲۴۰	 و اما موضع حضرت علی علیه السلام در غزوه تبوک.....

فهرست کتاب.....	۵۰۳
و اما موضع گیری حضرت علی علیه السلام در غزوه ذات السلاسل.....	۲۴۶
فصل یازدهم: سوره برائت (توبه).....	۲۵۰
فصل دوازدهم: ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام با حضرت علی علیه السلام	۲۵۸
و اما مصحف حضرت فاطمه علیها السلام	۲۸۳
فصل سیزدهم: درباره نامه‌های ایشان علیهم السلام که بر عرش و.....	۲۸۹
فصل چهاردهم: حضرت علی علیه السلام در حجه الوداع.....	۳۰۷
فصل پانزدهم: حضرت علی علیه السلام بعد از بیعت.....	۳۳۱
فصل شانزدهم: در باره آیه شهادت.....	۳۶۹
معنای شهادت کسی که علم کتاب در نزد اوست.....	۳۷۲
فصل هفدهم: آیه خیر البریه در شان حضرت علی علیه السلام امیر المؤمنین علیه السلام	۳۹۱
فصل هیجدهم: در باب شجاعت و دلیری حضرت علی علیه السلام	۴۱۸
فصل نوزدهم: در باره عدالت حضرت علیه السلام که دارای چند باب است.....	۴۳۳
فصل بیستم: در باره حقیقت صراط و منزلت علی علیه السلام و اولادش علیهم السلام.....	۴۵۱
فصل بیست و یکم: در باره صفت حوض و منزلت امیرمؤمنان علیه السلام	۴۶۸
منابع و مصادر.....	۴۹۳